

حکایت شیرین تولد پیامبر اعظم (ص)

سال تولد پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در عام الفیل بوده که برابر با سال 570 میلادی است و همه محدثان و مورخان اتفاق نظر دارند که ماه تولد پیامبر گرامی در ماه ربیع الاول بوده، هر چند در روز آن اختلاف نظر دارند. گروهی آن را 17 ربیع و گروهی دیگر 12 آن ماه می دانند.



خبرگزاری مهر- سال تولد پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در عام الفیل بوده که برابر با سال 570 میلادی است و همه محدثان و مورخان اتفاق نظر دارند که ماه تولد پیامبر گرامی در ماه ربیع الاول بوده، هر چند در روز آن اختلاف نظر دارند. گروهی آن را 17 ربیع و گروهی دیگر 12 آن ماه می دانند.

صفحات تاریخ گواهی می دهند که میلاد پیامبران با حوادث و رویدادهای خارق العاده ای همراه بوده است. مثلاً میلاد حضرت موسی (ع) در زمانی رخ داد که حکومت وقت گروهی را مأمور کرده بود تا تمام نوزادان ذکور بنی اسرائیل را ذبح کنند، دوران بارداری حضرت مریم (ع) و تولد حضرت مسیح (ع) با یک رشته حوادث عظیم و چشمگیر که مخالف قوانین عادی است همراه بوده است. مادر وی بدون آنکه با مردی ازدواج کند آبستن گردید، وضع به گونه ای بود که احدی از بنی اسرائیل از حمل او آگاه نبود، و او در نقطه ای خلوت وضع حمل کرد، خدا به او دستور داد که درخت خرماي خشکیده را تکان دهد تا رطب خرماي تازه از آن فرو ریزد، آنگاه فرزند خویش را به سوی قوم خود آورد، سیل اعتراض ها آغاز گردید، او برای دریافت پاسخ به نوزاد خود "مسیح" اشاره کرد که سؤال های خود را از او بپرسید. ناگهان نوزاد لب به سخن گشود و گفت: من بنده خدا هستم کتاب (انجیل) به من داده شده و از پیامبران می باشم، خدایم مرا به نماز و زکات امر فرموده است.

بنابراین نباید تعجب کنیم که تاریخ می گوید ولادت پیامبر گرامی اسلام (ص) با یک رشته حوادث فوق العاده همراه بود. مثلاً هنگام ولادت او طاق کسری در ایران شکافت و چند کنگره آن فرو ریخت، آتشکده فارس خاموش شد، بت های مکه سرنگون شد، نوری از وجود آن حضرت به سوی آسمان بلند شد و شعاع وسیعی را روشن ساخت و انوشیروان و موبدان خواب وحشتناکی دیدند و آن حضرت هنگام تولد جمله های "الله اکبر، الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکره و اصیلا" را به زبان جاری کرد. (تاریخ یعقوبی، جلد 2 صفحه 5)

اگر در علت این حوادث بیندیشیم می فهمیم که این رویدادها از سپری گشتن دوران بت پرستی بشارت می دهد، و این که به همین زودی مظاهر قدرت های اهریمنی به نابودی کشیده خواهد شد و حوادث شب میلاد آن حضرت می تواند از این مقوله باشد، زیرا هدف از آن ایجاد تکان و توجه در قلوب مردمی بود که در بت پرستی و ظلم و بیدادگری غرق شده بودند.

اصولا لازم نیست که حوادث در همان روز وقوع مایه عبرت و وسیله پند و اندرز گردد، بلکه کافی است که حادثه ای در سالی رخ دهد و پس از سالیان درازی از آن بهره گرفته شود. مردم عصر رسالت و یا کسانی که پس از آن آمده اند وقتی ندای مردمی را می شنوند که با تمام قدرت به ضدیت با بت پرستی و ظلم و بیدادگری برخاسته است آنگاه که سوابق زندگی او را مطالعه و بررسی می کنند، ملاحظه می نمایند که در شب میلاد این مرد، حادثی رخ داده است که با دعوت او کاملاً هماهنگ است، طبعاً تقارن این دو نوع حادثه را نشانه راستگویی او می گیرند و به تصدیق او بر می خیزند.

سال و ماه و روز تولد

سال تولد پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در عام الفیل بوده که برابر با سال 570 میلادی است و همه محدثان و مورخان اتفاق نظر دارند که ماه تولد پیامبر گرامی در ماه ربیع الاول بوده، هر چند در روز آن اختلاف نظر دارند. گروهی آن را 17 ربیع و گروهی دیگر 12 آن ماه می دانند، ولی فرزندان خانواده آن حضرت قول نخست را تعیین می کنند.

پس از تولد آن حضرت، عبدالمطلب او را به درون کعبه برد و برای این نعمت بزرگ خدا را سپاس گفت. روز هفتم در مراسم نامگذاری، عبدالمطلب گروهی را دعوت کرد و در جشن باشکوهی نام ایشان را "محمد" نهاد، آنگاه که از او پرسیدند چرا نام او را "محمد" نهادی؟ او در پاسخ گفت می خواهم او در آسمان و زمین فرد ستوده باشد و این نام کمتر در عرب رایج بوده است. البته رسول گرامی (ص) بسان دیگر پیامبران نام های متعدد دارد و از نام های آن حضرت است: احمد، طه، یس.

حضرت محمد (ص) مدت کمی از شیر مادر و چندی از شیر زنی به نام "ثویبه" نوشید. آن گاه مصلحت دیده شد که برای پرورش در هوای صحرا و رشد و نمو در محیط آزاد و دور از بیماری که گاهی شهر مکه را تهدید می کرد به دایه ای سپرده شود که او را در بیرون از مکه پرورش دهد.

افتخار این کار نصیب زنی به نام "حلیمه" شد که از قبیله بنی سعد بود. این زن 5 سال تمام پیامبر را در میان قبیله خود پرورش داد. او گاهی پیامبر را به مکه می آورد و چند روزی نزد عبدالمطلب و مادر گرامیش آمنه می گذاشت آنگاه دو مرتبه او را با خود به صحرا می برد. وی از دوران پرستاری خود حوادث عجیب و شیری را نقل می کند که یکی را در اینجا یادآور می شویم: روزی کودک عبدالمطلب از من درخواست کرد که همراه فرزندان من به صحرا بروم و شب هنگام به محل باز گردد من از ترس این که مبادا به کودک عبدالمطلب آسیبی برسد، یک مهره "یمنی" که مایه حفاظت کودکان در قبیله ما شناخته شده بود به گردن او انداختم، در این هنگام کودک از من پرسید این سنگ سبز چیست؟ گفتم این حافظ و نگهبان توست، در این هنگام کودک خشمگین و طوفانی شد و با دست خود آن مهره را از گردن باز کرد و به دور افکند و با صدای رسا و بلند گفت: مادر جان آرام، آرام، من نگهبان و حافظ دیگری دارم با من کسی هست که پیوسته مرا حفظ می کند. (بحار، جلد 15 صف 349)

حضرت محمد (ص) به مکه باز می گردد

دایه مهربان کودک عبدالمطلب پس از 5 سال محافظت تصمیم گرفت که او را به مکه بازگرداند تا مجدداً تحت سرپرستی جد بزرگوارش عبدالمطلب و مادر گرامیش آمنه قرار گیرد. این کودک مایه تسلی خاطر هر دو نفر بود که در مرگ عبدالله شدیداً غرق تأثر بودند کودک با مادرش هر دو راه یثرب را در پیش گرفتند و یک ماه در آن جا توقف داشتند و خانه ای را که عبدالله پدر رسول اکرم (ص) در آنجا بود را مشاهده کردند و سپس رهسپار مکه شدند. هنگام بازگشت به مکه مادر آن حضرت در نقطه ای به نام "ابواء" شدیداً بیمار شد و درگذشت و در این موقع عبدالمطلب شخصاً سرپرستی او را بر عهده گرفت.

قرآن مجید از این دوره یادآوری می کند که آنجا می فرماید: "آیا تو را نیافت یتیم و پناه نداد". پیامبر (ص) 8 ساله بود که عبدالمطلب درگذشت و ایشان را با مصیبت بزرگی روبرو کرد. در این موقع سرپرستی پیامبر طبق سفارش عبدالمطلب به حضرت ابوطالب واگذار شد. حضرت ابوطالب برادر تنی عبدالله بود و پس از عبدالمطلب شخصیت بزرگ بنی هاشم به شمار می رفت و به سخاوت و جوانمردی اشتهار کامل داشت.